

The Methods of Belief Training of Prophethood and its Philosophical Foundations in the Holy Quran

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors

Ashraf Sadat Hosseini Mirsafi ¹,

How to cite this article

Ashraf Sadat Hosseini Mirsafi, The Methods of Belief Training of Prophethood and its Philosophical Foundations in the Holy Quran, *Journal of Quran and Medicine*. 2022; 6(4): 106-117.

1. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: h.mirsafi76@gmail.com

xArticle History

Received: 2020/12/12

Accepted: 2021/03/16

ePublished: 2022/03/16

ABSTRACT

Purpose: The purpose of this study is to investigate the methods of doctrinal training of prophecy and its philosophical foundations in the Holy Quran. This research is in the line of applied research and is of qualitative type.

Materials and Methods: The research method was analytical-inferential. The information of this research has been collected by library method with the tool of taking notes and referring directly to the holy verses of the Holy Quran and identifying related documents, reference books, researches and other valid sources.

Findings: The findings of this study are: in explaining the necessity of prophecy and the purpose of the resurrection of the prophets and the introduction and virtue of the prophets over each other and the superiority of the Holy Prophet (PBUH) and methods of revelation, infallibility and miracle and introducing the proponents and opponents of the prophets, methods: explanatory, Questioning, questioning, oratory, dialogue, history, good debate, explanatory (verses), remembrance, allegory (proverb), historical, philosophical principles: the basis of inviting the prophets to monotheism and reminding of the resurrection, continuity and continuity of guidance.

Conclusion: With the revelation of prophets, messengers and imams, the divine tradition of revelation, having special knowledge as the basis of infallibility of prophets, miracles with divine permission and will, man's innate tendency to lead, a factor for tending to prophets, arrogance and arrogance A factor for denial, denial and opposition to the prophets.

Keywords: Prophecy, Educational Method, Belief Education, Philosophical Foundations, Holy Quran.

روش‌های تربیت اعتقادی نبوت و مبانی فلسفی آن در

قرآن مجید

اشرف السادات حسینی میرصفی^۱

استادیار، گروه علوم تربیتی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

چکیده.

هدف: هدف از تحقیق حاضر، بررسی روش‌های تربیت اعتقادی نبوت و مبانی فلسفی آن در قرآن مجید می‌باشد. این تحقیق در ردیف تحقیقات کاربردی و از نوع کیفی است.

مواد و روش‌ها: روش تحقیق تحلیلی-استنباطی بوده. اطلاعات این تحقیق به روش کتابخانه‌ای و با ابزار فیش برداری و مراجعه مستقیم به آیات شریفه قرآن مجید و شناسایی مستندات مرتبط، کتب مرجع، پژوهش‌ها و سایر منابع معتبر گردآوری شده است.

یافته‌ها: یافته‌های این تحقیق عبارتند از: در تبیین ضرورت نبوت و هدف بعثت انبیا و معرفی و فضیلت پیامبران بر یکدیگر و برتری پیامبر اکرم (ص) و روش‌های بیان وحی، عصمت و اعجاز و معرفی موافقان و مخالفان پیامبران، روش‌های تبیینی، طرح سؤال، پرسشی، خطابی، گفتوگویی، تاریخی، جدال احسن، تبیینی (آیاتی)، تذکر، تمثیل (متل)، تاریخی، مبانی فلسفی: مبنای دعوت کنندگی پیامبران به توحید و یادآوری معاد، استمرار و پیوستگی هدایت.

نتیجه‌گیری: با بعثت پیامبران و رسولان و امامان، سنت الهی بودن وحی، برخوردار از علم خاص به عنوان مبنای عصمت پیامبران، اعجاز با اذن و اراده الهی، گرایش فطری انسان به هدایت، عاملی برای گرایش به انبیا، خودبزرگ بینی و مستکبر بودن عاملی برای انکار، تکذیب و مخالفت با انبیا.

کلمات کلیدی: نبوت، روش تربیتی، تربیت اعتقادی، مبانی فلسفی، قرآن مجید.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۶

*نویسنده مسئول: h.mirsafi76@gmail.com

مقدمه

قرآن مجید به عنوان عالی‌ترین و مهم‌ترین منبع شناخت در میان ما مسلمانان محسوب می‌شود و معجزه جاویدان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) تا روز رستاخیز است. قرآن مجید به درستی راه‌های هدایت بشر را به بهترین شیوه از زبان خالق هستی برای انسان تبیین نموده است و اسلام آوردندگان را به سوی خیر مطلق و سعادت راهنمایی می‌کند. به همین خاطر است که قرآن مجید خود را به عنوان "تبیان" و بازگو کننده همه چیز و به عنوان کتاب هدایت و رحمت معرفی کرده است.

«... وَتَزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا...»؛ و این کتاب را که روشنگر هر چیزی است و برای مسلمانان رهنمود و رحمت و بشارتگری است، بر تو نازل کردیم» (سوره نحل، آیه ۸۹)

تعلیم و تربیت به عنوان یکی از اساسی‌ترین نیازهای بشر همواره مورد توجه مربیان و محققان بوده و هست. نگاه موضوعی به قرآن مجید و تدبیر و تعمق در آیات آن از گذشته‌های دور شروع شده است و در سال‌های اخیر، سازمان‌ها و گروه‌های پژوهشی و افراد علاقه مند به مطالعات قرآنی با توجه به میزان دل‌بستگی و تخصص خود، در این حوزه وارد شده‌اند.

در فرایند تربیت، عناصر مهمی وجود دارد که در مجموع، همه آنها یک نظام تربیتی را شکل می‌دهند هر نظام تربیتی چهار عنصر اصلی مبانی، اهداف، اصول و روش‌ها را دارد (۱).

با مطالعه و بررسی‌های انجام شده و به استناد مستندات فوق، به پژوهشی که به طور مستقل به تربیت اعتقادی نبوت و مبانی آن را از منظر قرآن مجید بررسی نمایند برخورد ننموده‌ام. لذا همین پراکندگی، عدم انسجام، ناهمگونی، و کلی بودن معرفی روش‌های تربیتی و عدم تفکیک این روش‌های تربیتی، متناسب با ابعاد و ساحت‌های چندگانه تربیت، از طرف دیگر، همچنین کم توجهی به مبانی علمی، دینی و به ویژه مبانی فلسفی آن روش‌ها، محقق را بر آن داشت تا از زاویه نگاه تخصصی به موضوع روش‌های تربیتی و با توجه به گستردگی ابعاد وجودی انسان و به تبع آن، ابعاد تربیت، به یکی از مهمترین ابعاد تربیت که از نظر محقق بعد اعتقادی تربیت به حساب می‌آید، مورد مذاقه قرار گیرد. البته به نظر می‌رسد تفکیک تربیت دینی از سایر ساحت‌های تربیت از سوی جان الیاس و بسیاری از فیلسوفان تعلیم و تربیت غرب بر نگاهی سکولار استوار باشد.

هرچند در بسیاری از کشورهای جهان تربیت دینی از جمله موضوعات درسی مدرسه است، اما در مدارس دولتی ایالات متحده، این به صورت رسمی آموزش داده نمی‌شود» (۲).

شاید بتوان گفت که بسیاری از مشکلات تربیتی در تربیت انسان (کامل) چه در نظام تعلیم و تربیت کشورمان، همچنین در سایر کشورهای اسلامی که دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت را در این مناطق دنیا با چالش جدی رو به رو کرده است، نداشتن یک رویکرد تربیتی قرآنی منسجم و مدون و نظام دار باشد. البته این ضعف و ناتوانی اندیشمندان و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت در تربیت انسان‌های کامل و توانمند و جامع‌الابعاد و تأثیر گذار در جامعه به دلیل نداشتن همین رویکردهای منظم و منسجم با محوریت آیات وحی و

پیامبری (نبوت) می‌رسد. در واقع همان پیام رسان رسالت است. نبوت با حضرت آدم (ع) شروع شده و با حضرت محمد (ص) خاتمه یافته است. پیروان مذهب شیعه با استناد به شواهد قرآنی و روایی معصومین علیهم السلام، اعتقاد دارند که پس از پایان نبوت، خداوند، امامان را برای حفظ و تبیین دین، برگزیده است.

واژه نبوت در لغت به معنای پیامبری و واژه نبی به معنای پیامبر است. نبأ، به معنای خبر است و مخصوص خبرهایی است که از نوعی اهمیت برخوردارند. یعنی خبرهایی که فایده‌های بزرگ دارند. نبی مأخوذ از نبأ می‌باشد. نبأ به خبری مفید و عظیم می‌گویند که از آن، علم یا غلبه ظن، به دست می‌آید، اگر این سه شرط (خبر، مفید، عظیم) را نداشته باشد، آن را نبأ نمی‌گویند (۵).

پیامبران الهی علیهم السلام، خبرهای مهم الهی را که از اهمیت بالایی برخوردارند به انسان‌ها ابلاغ می‌کنند. از جمله مسائل مهم در مبحث نبوت، مسئله عصمت است. عصمت پیامبران یعنی اینکه ایشان چه در گفتار و چه در اعمالشان و چه در آن اموری که برای دیگران، انجام دادن آن کارها، عادی و طبیعی است و آنها نباید انجام بدهند، معصوم از خطا، فراموشی و سهو هستند و این معصوم بودن پیامبران به این معنا نیست که آن‌ها مثلاً عصبانی نشوند و ...

شیعیان معتقدند که تمامی پیامبران و امامان شیعه علیه السلام عصمت دارند و در تمام طول عمرشان، خطا، اشتباه و گناه، حتی به طور سهوی مرتکب نمی‌شوند. یکی دیگر از مهم‌ترین ویژگی‌های پیامبران اعجاز است. اعجاز از ریشه عجز آمده است. اعجاز مصدر باب افعال از ریشه (عجز) به معنای ناتوان ساختن یا ناتوان یافتن کسی یا چیزی به کار رفته است (۶).

در قرآن کریم (وَ مَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ) (سوره انعام، آیه ۱۳۴) به معنای اول به کار رفته است. معنای اعجاز در اصطلاح کلامی، به معنی، انجام امور خارق العاده است که خداوند آن را با دست پیامبرش انجام می‌دهد تا نشانه و علامتی برای صدق رسالتش باشد. یکی از امتیازات و اختصاصات پیامبران، ارتباط از طریق وحی با خداوند و مبدأ هستی است. هر پیامبری که از جانب خداوند مبعوث می‌شود از قدرت و نیروی خارق العاده برخوردار است و با آن قدرت خارق العاده یک یا چند اثر مافوق قدرت بشر ابراز می‌دارد که نشان دهنده بهره مندی او از آن نیروی خارق العاده الهی است و گواه راستین بودن دعوت او و آسمانی بودن سخن اوست. قرآن کریم آثار خارق العاده ای را که پیامبران به اذن خدا برای گواهی بر صدق گفتار خود ارائه می‌کردند (آیت) یعنی نشانه و علامت نبوت می‌خواند و متکلمین اسلامی از آن نظر که این علامت‌ها عجز و ناتوانی سایر افراد را آشکار می‌سازد «معجزه» می‌نامند (۷).

۳- روش‌های تربیت اعتقادی نبوت و مبانی آن

ایمان به نبوت انبیاء به عنوان دومین اصل از اصول اعتقادی دین اسلام از اهمیت و جایگاه بالایی برخوردار است. در تربیت اعتقادی، نبوت شناسی و نبوت باوری یکی از مهمترین دغدغه‌های مربیان تعلیم و تربیت اسلامی است. لذا در این بخش به اهم موضوعاتی که در این حوزه، روشنگر و راهگشای راه برای مربیان و متریبان می‌باشند و مبنای عمل آنان قرار می‌گیرند، اشاره می‌نماییم که در هشت محور خلاصه می‌شود.

البته با نگاهی نو و علمی با پشتوانه‌های قوی فلسفی و وحیانی و به منظور تدوین روش‌های تربیت اعتقادی در شناساندن و باورمند سازی اعتقادات از جمله نبوت، با پشتوانه مبانی فلسفی به صورت ساختمان و نظام دار باید اقدام شود. به همین منظور، ضرورت پرداختن به این موضوع درک شد و محقق امید آن دارد که با انجام این تحقیق بتواند به این مهم نزدیک شده و بدان دست یابد و با توجه به بضاعت علمی و امکان تدبیر در آیات قرآن مجید، زمینه استفاده اثر بخش از روشهای تربیت در مورد نبوت، را برای مربیان و متریبان و همه دستاوردکاران حوزه تعلیم و تربیت فراهم سازد. بنابراین با توجه به خلاءهای موجود در توجه به روش شناسی تربیتی به ویژه در تربیت اعتقادی نبوت از منظر قرآن مجید، این پرسش پیش می‌آید که شناخت ماهوی روشهای تربیت اعتقادی نبوت با استناد به پشتوانه‌های فلسفی آن در قرآن مجید چه کمکی در اعتلا بخشی به اعتقادات افراد جامعه می‌کند؟ و این سؤال مهم مطرح می‌شود که روش‌های تربیت اعتقادی نبوت و مبانی فلسفی آن در قرآن مجید کدامند؟

۱- مبانی نظری

۱-۱- تربیت اعتقادی

تربیت عبارت است از تبدیل کردن قوه‌ها به فعلیت و استخراج نیروها و استعدادهای درونی انسان که سبب شکوفایی و پرورده ساختن است (۳).

همچنین در تعریف دیگری آمده است: «تربیت عبارت است از فرایند تعاملی زمینه‌ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت متریبان، به صورت یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی، به منظور هدایت ایشان در مسیر آماده شدن جهت تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد» (۴).

همچنین در تعریف کامل دیگری چنین آمده است که: «تربیت از ریشه «ربو» در لغت به معنی غذا دادن و بزرگ کردن است و در اصطلاح مجموعه تدابیر و روش‌هایی است که برای ایجاد، ابقاء و اکمال ادراکات، تمایلات، تصمیمات و اقدامات مطلوب در متریبی صورت می‌گیرد. (۲).

تربیت اعتقادی عبارت است از تمهید مناسب و به دور از جبر، برای رسیدن متریبی به ادراک تصدیقی صحیح مستقر در قلب و ذهن نسبت به خود، جهان اطراف و خالق این جهان بر اساس آنچه خود می‌یابد و فطرت او اقتضاء می‌کند و پیمودن مسیر برای تکامل نهایی در اعتقاد به حق و رسیدن به جایگاه واقعی خود در کل مجموعه هستی (۱).

۲-۱- نبوت

یکی از اصول اعتقادات دین مبین اسلام نبوت است. نبوت به معنای اعتقاد به وجود پیامبران بزرگ الهی که خداوند آنان را برای هدایت نوع بشر فرستاده است. نبوت پیامبری بر اساس آیات قرآن مجید، یک نوع انتخاب الهی است که از طرف خداوند، معارف الهی بر برگزیده‌اش وحی می‌شود و هدف، هدایت و رهبری بندگان در مسیر سعادت و کمال است. از مهمترین ویژگی‌های پیامبران، دریافت وحی، عصمت و توانایی اعجاز آنهاست. کسی که به مقام

الف-روش‌ها و شواهد قرآنی تبیین هدف از بعثت انبیا
روش تبیینی: برخی آیات قرآن مجید، به حقایقی مثل دعوت انبیا، به توحید اشاره کرده است. بیان صحیح دعوت به توحید، نشان دهنده اهمیت این موضوع است.

شواهد قرآنی: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِيَ إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ؛ و پیش از تو هیچ پیامبری نفرستادیم مگر اینکه به او وحی کردیم که: «خدایی جز من نیست، پس مرا بپرستید (سوره انبیا، آیه ۲۵)

توحید، در رأس برنامه همه انبیای الهی بوده است، عمل بر مبانی اعتقاد باید باشد، ابتدا توحید در الوهیت (لا اله الا) سپس توحید در عبادت (انا فاعبدون). (۸)

این آیه تاکیدی است بر جوهره دعوت انبیا، به توحید و پرستش خدای متعال و پرهیز از شرک و بت پرستی.

همچنین آمده است: «عیسی اعتراف می‌کند ادعای الوهیت نداشته و هر چه پیش آمده از ناحیه خود مسیحیان بود. تا آن زمان که در میان آنها و گواه بر اعمالشان بودم و نگذاشتم راه شرک را پیش گیرند، هنگامی که روحم را گرفتی، خودت مراقب آنها بودی چون تو گواه بر هر چیزی هستی.» (۹)

با تأمل در این آیه در می‌یابیم که انبیا، ناظر بر افعال مردم‌اند و ملاک پرستش، ربوبیت خداست.

روش طرح سؤال - پرسشی: برخی آیات قرآن به روش طرح سؤال و مطرح کردن آن به روش پرسشی از اقدامات پیامبران گذشته در هدایت و دعوت مردم به خداپرستی می‌پرسند.

شواهد قرآنی: «وَأَسْأَلُ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ آلِهَةً يُعْبَدُونَ؛ و از رسولان ما که پیش از تو گسیل داشتیم جویا شو؛ آیا در برابر [خدای] رحمان، خدایانی که مورد پرستش قرار گیرند مقرر داشته‌ایم» (سوره زخرف، آیه ۴۵).

احتمال ضعیف‌تر آن است که منظور، پرسش از امت‌های آن رسولان است که چون امکان دروغگویی آن‌ها وجود داشت و جوابشان نمی‌توانست حجت باشد لذا فرمود: از رسولان نشان بپرس؛ به هر حال، تمام انبیای الهی دعوت به توحید می‌کردند و همگی به طور قاطع، بت پرستی را محکوم نمودند. لذا پیامبر اسلام در مخالفتش با شرک، کار بی سابقه‌ای انجام داده است بلکه سنت انبیا، را احیا کرده و این بت پرستان هستند که بر خلاف مکتب اسلام گام بر می‌دارند.» (۹)

روش خطابی: خداوند در برخی از آیات قرآن مجید به صورت خطابی، گاه مستقیم و گاه غیر مستقیم، سخن می‌گوید و به موضوع مهمی اشاره می‌کند. به همین نسبت این روش خطابی در شیوه بیان پیامبران دیده می‌شود که قرآن مجید در آیاتی به آن اشاره نموده است پیامبران با استفاده از این روش، در صدد جلب محبت و عواطف قوم خود بر می‌آمدند. این لحن سخن گفتن، موجب کم شدن فاصله بین آن‌ها می‌شد و از نظر تاثیرگذاری کلام، بسیار مؤثر بود.

پیام و دعوت به توحید یکی از نمونه‌های آن است.
شواهد قرآنی: «قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ؛ [نوح] گفت: «ای قوم من، من شما را هشدار دهنده‌ای آشکارم» (سوره نوح، آیه ۲).

رسالت نوح (ع) در سه جمله است: ۱ = خدای یکتا را بپرستید. ۲ = تقوای الهی را رعایت کنید. ۳ = قوانین و دستوراتی را که از سوی خدا آورده‌ام اطاعت کنید. (۹)

پس بالاترین دعوت انبیا، دعوت به توحید و اطاعت از رهبر آسمانی و رعایت تقوا می‌باشد.

ب- مبانی فلسفی روش‌های تبیین هدف از بعثت انبیا

- پیامبران دعوت کننده به سوی خدا هستند. این گزاره به عنوان یک مبانی فلسفی (انسان شناختی) برای روش‌های تبیینی، طرح سؤال - پرسشی و خطابی در موضوع دعوت انبیا، به توحید از قرآن مجید گرفته شده است. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا؛ ای پیامبر، ما تو را [به سمّت] گواه و بشارتگر و هشداردهنده فرستادیم (سوره احزاب، آیه ۴۵)

«وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا؛ و دعوت کننده به سوی خدا به فرمان او، و چراغی تابناک» (سوره احزاب، آیه ۴۶)

در این دو آیه، نقش پیامبر اکرم (ص) در جامعه بیان شده است او مردم را به سوی خدا، دعوت می‌کند و شیوه او در این دعوت، بشارت و انداز است و هر دو لازم است اما نه فقط زبانی، بلکه عمل او نیز، حجت بر مردم و الگویی برای آنان است. انبیا، مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنند، نه خود. همچنین پیامبران در برابر خداوند از خود استقلالی ندارند و موفقیت و دعوت آنان، فقط با اذن الهی است و پیامبر در جامعه، چراغ هدایتی است که نور آن سبب حرکت و رشد و تشخیص است (۸).

پس دعوت به توحید، مبانی رسالت انبیا، در قرآن معرفی شده است.

۱-۲-۳- روش‌های معرفی انبیا، در قرآن مجید

الف-روش‌ها و شواهد قرآنی معرفی انبیا

روش تبیینی: در برخی آیات قرآن مجید به معرفی پیامبران و سنت هدایت و برانگیختن آنها اشاره شده است.

آشنایی با اهداف آنان، چراغ راه مربیان در تربیت اعتقادی است.
شواهد قرآنی: «وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا مِنْ قَبْلُ وَمَنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَى وَهَارُونَ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ؛ و به او اسحاق و یعقوب را بخشیدیم، و همه را به راه راست درآوردیم، و نوح را از پیش راه نمودیم، و از نسل او داوود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را [هدایت کردیم] و این گونه، نیکوکاران را پاداش می‌دهیم» (سوره انعام، آیه ۸۴).

«وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ وَإِلْيَاسَ كُلٌّ مِنَ الصَّالِحِينَ؛ و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس را که همه از شایستگان بودند» (سوره انعام، آیه ۸۵).

«وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيُونُسَ وَلُوطًا وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ؛ و اسماعیل و یسع و یونس و لوط، که جملگی را بر جهانیان برتری دادیم (سوره انعام، آیه ۸۶)

در آیات فوق، در مجموع نام، هفده (۱۷) نفر از پیامبران آمده است و هر جا اسماعیل در ردیف انبیای نبی اسرائیل آمده، منظور اسماعیل صادق الوعد است نه فرزند حضرت ابراهیم. باید دانست برتری ایشان به سبب این است که هدایت انبیا، فطری و بدون راهنمایی

غیر است. در حالی که سایرین با تکیه بر غیر، هدایت یافته‌اند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۳۶۵)

آیات فوق به روش تبیینی به معرفی تعدادی از پیامبران در قرآن مجید پرداخته است و حاوی پیام‌هایی است که در موضوع هدایت و عمل صالح و سایر ویژگی‌های آنان می‌تواند مورد توجه و عمل مربیان تربیتی به ویژه در تربیت اعتقادی بشود.

-مقام امامت برخی پیامبران در قرآن مجید

برخی پیامبران علاوه بر مقام نبوت، دارای مقام امامت نیز هستند. روش گفتگویی: خداوند در برخی آیات به روش گفت و گویی، موضوع مهمی را روشن نموده است. در اینجا خداوند، حضرت ابراهیم (ع) را به مقام امامت انتخاب کرده است. این روش (گفت و گویی) بیانگر ارتباط نزدیک خداوند با برخی پیامبران است.

شواهد قرآنی: «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» و چون ابراهیم را پروردگارش با کلماتی بیازمود، و وی آن همه را به انجام رسانید، [خدا به او] فرمود: «من تو را پیشوای مردم قرار دادم.» [ابراهیم] پرسید: «از دودمانم [چطور]؟» فرمود: «پیمان من به بیادگران نمی‌رسد» (سوره بقره، آیه ۱۲۴).

در ذیل این آیه آمده است: در این آیه و آیه بعدی، سخن پیرامون ابراهیم و خانه خداست شاید به جهت اینکه مخالفان روی این دو موضوع، سمپاشی زیادی می‌کردند. از یک طرف به ابراهیم زیاد اظهار علاقه می‌کردند و آیین خود را، آئین او می‌دانستند و از طرف دیگر با تغییر قبله، مخالفت می‌کردند. قرآن، این دو موضوع را به هم مرتبط ساخته و با بیان صفات ابراهیم (ع) دروغگویان را رسوا می‌سازد. خداوند ابراهیم را با کلماتی آزمایش کرد. پس او بخوبی از عهده آن بر آمد. در این موقع، فرمود من تو را امام مردم می‌کنم. ابراهیم تقاضا کرد که از دودمان من نیز امامانی قرار بده تا امامت، قائم به من نباشد. و خدا فرمود: تقاضای تو را پذیرفتم. اما فقط آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند. (امامت به آنها تعلق می‌گیرد). و همین طور هم شد و امامت در دودمان ابراهیم، باقی ماند و حتی پس از رحلت رسول اکرم (ص) از دودمان ابراهیم، بیرون رفت و در فرزندان فاطمه زهرا (ص) استمرار یافت (۹)

در این آیه به روش گفتگویی به موضوع مهم امامت انبیاء و به طور خاص حضرت ابراهیم و ادامه امامت در فرزندان و ذریه او اشاره شده است.

روش تاریخی: در برخی آیات قرآن مجید با روش تاریخی و بصورت آشکارو خبر صریح، امامت برخی پیامبران در قرآن مجید و شرح چگونگی آن پرداخته است. مراحل طی دوران گذشته و چگونگی

رسیدن به این مقام در آیات زیر دیده می‌شود.

شواهد قرآنی: «قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ؛ گفتیم: «ای آتش، برای ابراهیم سرد و بی‌آسیب باش» (سوره انبیاء، آیه ۶۹)

«وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ؛ و خواستند به او نیرنگی بزنند و [لی] آنان را زیانکارترین [مردم] قرار دادیم (سوره انبیاء، آیه ۷۰) «وَتَجَنَّبْنَا وَكُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ؛ و او و لوط را [برای رفتن] به سوی آن سرزمینی که برای جهانیان در آن برکت نهاده بودیم، رهانیدیم (سوره انبیاء، آیه ۷۱)

-پیامبر اکرم (ص)، آخرین رسول و پیامبر در قرآن مجید: روش تبیینی: روش تبیین و شفاف سازی برخی حقایق در قرآن مجید، گاه برای خروج افکار عمومی از انحراف است در اینجا خداوند، به همین منظور به وضوح، خبر خاتمیت پیامبر را اعلام و محمد (ص) را آخرین پیامبر معرفی کرده است و باب پیامبری را بسته است. شواهد قرآنی: «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَٰكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا؛ محمد پدر هیچ یک از مردان شما نیست، ولی فرستاده خدا و خاتم پیامبران است. و خدا همواره بر هر چیزی داناست» (سوره احزاب، آیه ۴۰).

آیه بیان می‌کند که ارتباط آن جناب رسول خدا (ص) با شما، (ارتباط رسالت و نبوت است و آنچه او می‌کند، به امر خداست و بدیهی است وقتی حضرت (محمد (ص)) خاتم النبیین باشند و ارتباط با غیب، قطع شود حتماً رسالتی هم، نخواهد بود و حضرت (محمد) خاتم رسولان نیز هستند (۹)

ب- مبانی فلسفی روش‌های معرفی انبیاء

-استمرار و پیوستگی هدایت با بعثت پیامبران و برگزیدن رسولان و امامان

این گزاره به عنوان مبانی فلسفی روش‌های تبیینی، گفت و گویی، تاریخی در بیان موضوع معرفی انبیاء از قرآن مجید گرفته شده است. «...أَنْتَ مُنذِرٌ وَكَلِّمْ قَوْمَكَ؛ [ای پیامبر]، تو فقط هشداردهنده‌ای، و برای هر قومی رهبری است» (رعد، آیه ۷).

کار اصلی پیامبران، ارشاد و انذار است و با آنکه دیگر پیامبری مبعوث نمی‌شود، اما خداوند حجت خود را بر همه مردم تمام می‌کند و هرگز زمین از حجت خالی نمی‌ماند. (۸)

خداوند با لطف و رحمت خود، ما را تنها نگذاشته و هدایت ما را به عهده گرفته. پیامبران، رسولان و امامان را به عنوان حجت‌های ظاهری در طول تاریخ برای هدایت ما فرستاده و اصولاً قبل از فرستادن انبیاء به سوی مردم و قبل از دعوت کردن آنها، خداوند هیچ کسی را عذاب نمی‌کند. پس از هدایت گری پیامبران و رسولان، از هیچ کس عذری پذیرفته نیست. گرچه گروهی از مردم، از تکذیب کنندگان هستند.

۳-۳- تبیین وحی انبیاء

الف- روش‌ها و شواهد قرآنی وحی بر انبیاء

روش جدال احسن: در برخی آیات قرآن مجید خداوند به پیامبر می‌آموزد که با روش جدال احسن، با مشرکان برخورد کند. این روش در تربیت اعتقادی بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد و این نوع مجادله (احسن) توصیه شده است

شواهد قرآنی:

• قُلْ أَيْ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ أَتَيْنَكُمْ لِنُشْهِدُونَ أَنْ مَعَ اللَّهِ إِلَهَةٌ آخَرَى قُلْ لَا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهُهُ وَاحِدٌ وَإِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ (سوره انعام، آیه ۱۹)

بگو: «گواهی چه کسی از همه برتر است؟» بگو: «خدا میان من و شما گواه است. و این قرآن به من وحی شده تا به وسیله آن، شما و هر کس را [که این پیام به او] برسد، هشدار دهم. آیا واقعاً شما گواهی می‌دهید که در جنب خدا، خدایان دیگری است؟» بگو: «من

الف-روش‌ها و شواهد قرآنی تبیین عصمت انبیا
-روش تاریخی گفت و گویی:

در برخی از آیات قرآن مجید، خداوند با اشاره به جریان‌هایی که قبلاً اتفاق افتاده با روش گفت و گویی دو طرفه (قال - قال)، به موضوعی مهم اشاره و آن را به وضوح بیان می‌کند و با این شیوه به بسیاری از سؤالات پاسخ و برخی ابهامات برطرف می‌شود.

شواهد قرآنی:

• **وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ** (سوره بقره، آیه ۱۲۴) و چون ابراهیم را پروردگارش با کلماتی بیازمود، و وی آن همه را به انجام رسانید، [خدا به او] فرمود: «من تو را پیشوای مردم قرار دادم.» [ابراهیم] پرسید: «از دودمانم [چطور]؟» فرمود: «پیمان من به پیدادگران نمی‌رسد.

خداوند ابراهیم (ع) را با کلماتی آزمایش کرد، پس او هم به خوبی از عهده آن بر آمد، سپس به او فرمود: تو را امام مردم می‌کنم. ابراهیم تقاضا کرد که از دودمان من نیز امامانی قرار بده تا امامت قائم به من نباشد و خدا فرمود: تقاضای تو را پذیرفتم اما فقط آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند و همین طور هم شد و مقام امامت در دودمان ابراهیم (ع) باقی ماند و حتی پس از رحلت رسول اکرم (ص) نیز از دودمان ابراهیم، نرفت و در فرزندان فاطمه (س) استمرار یافت. پس، امام باید معصوم از گناه و انحراف باشد و هدایت ذاتی از ویژگی‌های امام است.» (۹)

این آیه یکی از آیاتی است که پشتوانه فکری و اعتقادی شیعه قرار گرفته است که امام باید معصوم باشد و کسی که بر او لقب ظالم صدق کند، به امامت نخواهد رسید» (۱۰)

این آیه از جمله آیاتی است که هم به موارد زیر اشاره می‌کند. الهی بودن مقام امامت، برتری مقام امامت بر نبوت، عصمت امام، درخواست حضرت ابراهیم برای ادامه امامت در ذریه اش، ظالم نبودن امامان و پیامبران، این مقام (امامت) مخصوص کسانی است که در طول زندگی اشان لحظه‌ای ظلم نکرده باشند، یکی از ظلم‌ها (ظلم به نفس) است و گناه مصداق کامل ظلم به نفس می‌باشد. عهد الهی که امامت باشد به ظالم نمی‌رسد پس امام و پیامبر باید معصوم باشد.

-مخلص بودن پیامبران

روش تبیینی: در برخی از آیات قرآن مجید، خداوند به وضوح به صفتی یا ویژگی خاصی از برخی پیامبران الهی پرداخته و هدف روشن نمودن جایگاه آن پیامبر (ان) الهی و تفاوت آنها با مردم عادی است. در اینجا به مخلص بودن پیامبران اشاره شده است.

شواهد قرآنی:

• **إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ.** (سوره ص، آیه ۴۶) ما آنان را با موهبت ویژه‌ای - که یادآوری آن سرای بود- خالص گردانیدیم. با تأمل در این آیه، در می‌یابیم: «اخلاص، نشانه لطف خداست، یاد قیامت، موجب نزدیک شدن انسان به اخلاص می‌شود و آخرت اندیشی و دوری از دنیا طلبی از خصوصیات پیامبران الهی است.» (۸) همچنین در آیه قبل (۴۵) و آیات بعد از این نام تعدادی از پیامبران که خداوند آنها را خالص گردانیده، حضرت ابراهیم، اسحاق و

گواهی نمی‌دهم.» بگو: «او تنها معبودی یگانه است، و بی‌تردید، من از آنچه شریک [او] قرار می‌دهید بیزارم.

» با وجود دلایل روشن، باز مخالفان لجوج ایمان نمی‌آوردند و برای اثبات حقانیت رسول، مطالبه شاهد می‌کنند. کسی بالاترین شاهد است که هر چیزی را می‌داند و فراموشی و غفلت بر او غلبه نمی‌کند. پاسخ روشن بود و پیامبر خودش جواب می‌دهد که او خداست و بین من و شما گواه است که بهترین دلیلش همین قرآنی است که بر من وحی فرستاده یعنی قرآن، مهم‌ترین گواه صدق دعوی پیامبر و بزرگترین معجزه اوست. در این آیه همچنین اثر انداز، خصوصاً در افراد لجوج بیش از امیدوار ساختن است و در آخر، پیامبر با قاطعیت، هرگونه شرکی را نفی می‌کند.» (۹)

روش خطابی: گاهی خطاب‌های قرآن به صورت امر به انجام کاری، از آیات قرآن استنباط می‌شود. از جمله به موسی که عصایت را به دریا بزن

شواهد قرآنی:

• **فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ** (سوره شعراء، آیه ۶۳) پس به موسی وحی کردیم: «با عصای خود بر این دریا بزن.» تا از هم شکافت، و هر پاره‌ای همچون کوهی سترگ بود.

در ذیل این آیه آمده است: کارهای انبیا با اراده پروردگار و وحی الهی است. (۸)

ب-مبانی فلسفی روش‌های بیان وحی بر انبیا

-وحی یک سنت الهی است.

این گزاره از قرآن مجید گرفته شده و بر این حقیقت که بر همه پیامبران وحی می‌شود اشاره شده است.

«إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَىٰ نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَىٰ وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَآتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا (سوره نساء، آیه ۱۶۳) ما همچنانکه به نوح و پیامبران بعد از او، وحی کردیم، به تو [نیز] وحی کردیم؛ و به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان [نیز] وحی نمودیم، و به داوود زبور بخشیدیم.

از تأمل در این آیه در می‌یابیم: «به همه انبیای الهی بر طبق یک سنت و از یک منبع و با یک مأموریت وحی شده تا:

(۱) پاسخ دهد چرا راسخان در علم و مومنان حقیقی به همه کتب آسمانی و انبیا الهی ایمان دارند.

(۲) به آن دسته از اهل کتاب که به بعضی از انبیا ایمان می‌آوردند و بعضی دیگر را انکار می‌کنند جواب دهد که ارسال رسولان یک جریان واحد است که انکار هر یک در حکم انکار همه رسولان است.

(۳) به مشرکان و بت پرستان که از نزول وحی بر پیامبر تعجب کرده بودند بگوید که جای تعجبی نیست.

چون قبلاً بر کسان دیگری وحی نازل شده بود.» (۹)

پس: وحی یک سنت الهی بر همه پیامبران جهت انجام مأموریت آنان می‌باشد.

۳-۴-عصمت انبیا

پس نتیجه می‌گیریم که شیطان نمی‌تواند بندگان مخلص خدا را گمراه کند و به دل آنان راه یابد.

—واجب بودن اطاعت از پیامبران

روش خطابی: در برخی آیات قرآن مجید، خداوند به پیامبران، ایمان آوردندگان، مردم و ... مستقیم و گاه غیر مستقیم خطاب به انجام کاری نموده است. از جمله در مورد اطاعت از خدا و رسول (ص) که از آن جمله است:

شواهد قرآنی:

• **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ** ... (سوره نساء، آیه ۵۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید.

در ذیل این آیه آمده است: با اطاعت از خدا، رسول و اولی الامر هرگز مردم در بن بست قرار نمی‌گیرند و این اطاعت با توحید قرآنی منافات ندارد چون در طول آن و شعاعی از اطاعت خداست و در اطاعت باید سلسله مراتب حفظ شود، و اولی الامر هم باید همچون پیامبر، معصوم باشند تا اطاعت از آنان، لازم و بی چون و چرا باشد» (۸)

و جوب اطاعت از پیامبر و اولی الامر در اینجا در ردیف اطاعت از خدا آمده و جز معصوم نمی‌تواند چنین جایگاهی داشته باشد.

ب- مبانی فلسفی روش‌های تبیین عصمت انبیا:

—علم خاص (ویژه) پیامبران مبنای عصمت آنان است. این گزاره به عنوان مبنای فلسفی عصمت پیامبران از قرآن مجید گرفته شده است. به این معنا که روشن شدن حقیقت خطاها و گناهان در نفس معصومان به دلیل داشتن علم ویژه و خاصی است که نسبت به خدای متعال دارند و آن حقایق بر ایشان معلوم می‌شود. «وَلَوْ لَا فَضَّلَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ لَهَمَّتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ أَنْ يُضْلُوكَ وَمَا يُضْلُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَصُرُونَكَ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا» (سوره نساء، آیه ۱۱۳) و اگر فضل خدا و رحمت او بر تو نبود، طایفه‌ای از ایشان آهنگ آن داشتند که تو را از راه به در کنند، و [لی] جز خودشان [کسی] را گمراه نمی‌سازند، و هیچ گونه زبانی به تو نمی‌رسانند. و خدا کتاب و حکمت بر تو نازل کرد و آنچه را نمی‌دانستی به تو آموخت، و تفضل خدا بر تو همواره بزرگ بود.

در برخی تفاسیر در ذیل این آیه، به مسئله مصونیت از گناه و خطا و اشتباه پیامبر، اشاره می‌کنند که از آن جمله است: «اگر آن امدادهای غیبی شامل حال تو نبود تو را گمراه می‌ساختند ولی با وجود این امدادها، قادر به این کار نخواهند بود و هیچ گونه زبانی به تو نمی‌رسانند و آن الطاف پنهان و لطف عظیم که ایمنی بخش پیامبران است نوعی علم است» (۹)

۳-۵-عجاز انبیا

الف-روش‌ها و شواهد قرآنی معرفی اعجاز انبیا
—روش تبیینی (آیاتی) — خطابی: برخی آیات قرآن مجید با تبیین صریح و روشن وقایع و اتفاقاتی، پرده از موضوعی بر می‌دارد. در اینجا بعد از اعلام، فرستادن صالح به سوی قوم ثمود به معجزه ناقه و برخورد صالح با قوم خود به صورت خطابی، اشاره دارد. شواهد قرآنی:

یعقوب (ص، ۴۵) ما آنها را با خلوص ویژه‌ای خالص کردیم و آن یاد آوری سرای آخرت بود (سوره ص، ۴۶) و آنها نزد ما از برگزیدگان و نیکان هستند (ص، ۴۷) و اسماعیل و یسع و ذوالکفل و همه ایشان از نیکان هستند (ص ۴۸)

روش تذکر: برخی آیات قرآن با امر به یاد آوردن موضوعی، به صفت یا صفاتی از انبیا اشاره می‌کنند. در اینجا به یاد آوردن مخلص بودن حضرت موسی (ع) اشاره می‌نماید.

شواهد قرآنی:

• **وَأَذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مُوسَى إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا** (سوره مریم، آیه ۵۱) و در این کتاب از موسی یاد کن، زیرا که او پاکدل و فرستاده‌ای پیامبر بود.

در ذیل این آیه آمده است: «خلوص، زمینه دستیابی به رتبه‌های معنوی است. انبیا معصوم هستند و شیطان در آنها نفوذی ندارد. خداوند، افرادی را برای اتمام رسالت، خالص کرده است.» (۸)

روش قصه گوئی: قرآن مجید با بیان برخی اتفاقات واقعی، حقایق را روشن می‌نماید. در اینجا به بیان آنچه بر یوسف گذشت، به فریب نخوردن او که نتیجه اخلاص است اشاره می‌کند. و او را مخلص معرفی می‌نماید.

شواهد قرآنی:

• **وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٍ وَهَمَّ بِهَا لَوْ لَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ** (سوره یوسف، آیه ۲۴) و در حقیقت [آن زن] آهنگ وی کرد، و [یوسف نیز] اگر برهان پروردگارش را ندیده بود، آهنگ او می‌کرد. چنین [کردیم] تا بدی و زشتکاری را از او بازگردانیم، چرا که او از بندگان مخلص ما بود. در ذیل این آیه آمده است: اگر امداد الهی نباشد، امکان لغزش وجود دارد و در هر صحنه‌ای امکان برهان رب وجود دارد، انبیا در غرایز مانند دیگر انسان‌ها هستند ولی به دلیل ایمان به حضور خدا، گناه نمی‌کنند. مخلص شدن موجب محفوظ ماندن شخص از گناه می‌شود، خداوند بندگان مخلص را حفظ می‌کند. بدی و فحشا با مخلص بودن، یکجا جمع نمی‌شود و البته این مخلص شدن مخصوص یوسف (ع) نیست و می‌توان با پیمودن راه آن حضرت به مقام مخلصین نزدیک شد.» (۸)

روش تبیینی:

بیان ساده و صریح برخی حقایق در قرآن مجید به منظور آگاهی بخشی نسبت به موضوعی که در اینجا به قسم در گمراه کردن بندگان توسط شیطان اشاره شده است به جز بندگان خالص خدا که گمراه نمی‌شوند.

شواهد قرآنی:

• **قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ** (سوره ص، آیه ۸۲) [شیطان] گفت: «پس به عزت تو سوگند که همگی را جدا از راه به در می‌برم.»
• **إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلَصِينَ** (سوره ص، آیه ۸۳) مگر آن بندگان پاکدل تو را.

در ذیل این آیات آمده است: «خطر و سوسه‌های ابلیس، جدی است، او سوگند یاد کرده که همه را به نحوی گمراه کند. اخلاص در عبودیت، شرط مصونیت از دام‌های ابلیس است.» (۸)

آن همچون کوه عظیمی می‌شود که در میان آن جاده‌ای آشکار می‌گردد» (۱۱).

شواهد قرآنی:

- ید بیضاء

• وَأَضْمُمُ يَدَكَ إِلَىٰ جَنَاحِكَ تَخْرُجُ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سَوْءٍ آيَةٌ أُخْرَىٰ (سوره طه، آیه ۲۴) و دست خود را به پهلویت ببر، سپید بی‌گزند برمی‌آید، [این] معجزه‌ای دیگر است.

«موسی وقتی دید عصا مبدل به مار شد، ترسید. البته این عجیب نیست زیرا خوف، لازمه احتراز از خطر و عکس‌العملی طبیعی است و آنچه با مقام انبیاء ناسازگار است خشیت داشتن از غیر خداست. بعضی احتمال داده‌اند که تعبیر "بی‌عیب" برای نفی تعبیری است که در تورات تحریف شده، آمده. چون در آنجا چنین آمده که وقتی موسی، دست خود را بیرون آورد، دستش مانند برف، مبروص شد.» (۱۱)

- روش تبیینی - خطابی: در اینجا ضمن بیان آشکار معجزه به موسی (ع) امر به انجام کاری شده است.

- شواهد قرآنی:

- ید بیضاء «وَأَدْخُلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجُ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سَوْءٍ فِي تَسْعِ آيَاتٍ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ (سوره نمل، آیه ۱۲) و دستت را در گریبان کن تا سپید بی‌عیب بیرون آید [این‌ها] از [جمله] نشانه‌های نه گانه ای است [که باید] به سوی فرعون و قومش [ببری] زیرا که آنان مردمی نافرمانند.

به دومین معجزه موسی اشاره می‌کند برخلاف آنچه در تورات آمده، سفیدی دست حضرت موسی از بیماری برص نیست بلکه یک معجزه راستین است. برای آنکه به موسی، لطف بیشتری کرده باشد و امکان زیادتری برای هدایت منحرفان فراهم شود، می‌فرماید: معجزات تو منحصر به عصا و ید بیضاء نیست، بلکه هفت معجزه دیگر خواهی داشت چون فرعون و قومش، فاسق و طغیانگرند و شاید معجزات بیشتر، آن‌ها را هدایت کند یا اتمام حجتی برای آنها باشد.» (۱۱)

ب- مبانی فلسفی روش‌های معرفی اعجاز انبیا:

- تمام معجزات با اذن و اراده الهی صورت می‌پذیرند

این گزاره به عنوان مبانی فلسفی اعجاز از قرآن مجید، گرفته شده است و اینکه تمام معجزات با اذن و اراده الهی صورت می‌پذیرند و اما پیامبران و فرشتگان، مأمور الهی هستند. اراده پیامبران در حلول اراده الهی است و این امور خارق‌العاده به دست آنها تحقق پیدا می‌یابد. تمام نعمت‌ها و معجزاتی که خداوند در اختیار انبیاء می‌گذاشتند و به اذن او، انجام می‌دادند، در قرآن اشاره شده است. که از آن جمله است. (سوره مائده، آیه ۱۱۰) و (سوره آل عمران، آیه ۴۹).

و تا زمانی که اراده خدا به انجام امری تعلق نمی‌گرفت، آن درخواست‌ها عملی نمی‌شد. چرا که بسیاری از تقاضاهای معجزه معقول و منطقی نبود.

در این زمینه استاد مطهری می‌نویسند: «قرآن کریم نقل می‌کند که مردم هر زمان: از پیامبران زمان خویش، تقاضای معجزه می‌کردند و آن پیامبران به این تقاضا که تقاضایی معقول و منطقی بود زیرا از

«وَأَلَىٰ تَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَ تَكْمٌ بَيْنَهُ مِنْ رَبِّكُمْ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسَوْءٍ فَيَأْخُذْكُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (سوره اعراف، آیه ۷۳) و به سوی [قوم] تمود، صالح، برادرشان را [فرستادیم]؛ گفت:

«ای قوم من، خدا را بپرستید، برای شما معبودی جز او نیست؛ در حقیقت، برای شما از جانب پروردگارتان دلیلی آشکار آمده است. این، ماده‌شتر خدا برای شماست که پدیده‌ای شگرف است. پس آن را بگذارید تا در زمین خدا بخورد و گزندی به او نرسانید تا [مبادا] شما را عذابی دردناک فرو گیرد.

«صالح نیز در ابتدا از توحید، سخن به میان آورد و سپس دلیل روشنی بر حقانیت خویش عرضه می‌کند و آن ماده شتری است که خدا آن را بعنوان معجزه صالح از کوه بیرون می‌آورد. حال که این شتر، معجزه خداست بگذارید به حال خود باشد تا آزادانه در زمین خدا بچرد، تعبیر زمین خدا اشاره دارد به اینکه، شتر مزاحم کسی نیست و تنها از علف بیابان می‌خورد. لذا دلیلی بر آزار آن وجود ندارد. اما آنها از آزاد گذاشتن شتر، اکره داشتند. لذا صالح تهدیدشان کرد که اگر به آن آزار برسانید، عذاب دردناکی شما را خواهد گرفت.» (۱۱)

- روش خطابی (خطابی مستقیم): در برخی از آیات قرآن مجید، صراحتاً و بدون واسطه خداوند، مخاطب خود را مورد خطاب قرار می‌دهد و امر به انجام یا نهی از کاری می‌کند. شیوه خطابی یکی از روش‌های مرسوم قرآنی است که در تربیت اعتقادی بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد.

شواهد قرآنی:

- معجزه: سرد شدن آتش بر ابراهیم «• قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ (سوره انبیاء، آیه ۶۹) گفتیم: «ای آتش، برای ابراهیم سرد و بی‌آسیب باش. «اینکه گفتیم: ای آتش بر ابراهیم سرد و سالم باش. بعد چه شد؟ سرانجام او را در کوه آتش افکندند اما با یک فرمان تکوینی مانند فرمانی که به خورشید می‌دهیم تا وظایفش را انجام دهد. خاصیت آتش را که سوزاندن بود، گرفتیم و آن را از راه معجزه برای ابراهیم خنک و سالم گرداندیم.

آیه به انسانهایی که در عالم اسباب غرق‌اند و خیال می‌کنند که آثار و خواص هر سببی از ناحیه خداست و لذا نباید دل به اسباب ببندند.» (۱۱)

- روش خطابی (باواسطه وحی)

در این جا، خداوند از طریق وحی، موسی را خطاب قرار می‌دهد که عصایش را به دریا بزند. امر کردن به موسی و خطاب قرار دادن او از طریق وحی که در قرآن مجید نوعی الهام معرفی شده است.

شواهد قرآنی:

- شکافته شدن رود نیل توسط عصای موسی (ع): «فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطُّوْدِ الْعَظِيمِ (سوره شعراء، آیه ۶۳) پس به موسی وحی کردیم: «با عصای خود بر این دریا بزن.» تا از هم شکافت، و هر پاره‌ای همچون کوهی سترگ بود.

همان عصایی که قبلاً آیت انذار بود، نشانه رحمت می‌شود و صحنه عجیبی نمایان می‌شود زیرا نیل از هم شکافته می‌شود و هر بخشی از

طرف مردمی جوایب حقیقت صورت می‌گرفت و بدون آن برای آن مردم، راهی به شناخت آن پیامبر نبود - جواب مثبت می‌دادند؛ ولی اگر تقاضای معجزات به منظور دیگری جز جویندگی حقیقت صورت می‌گرفت - مثلاً به صورت معامله پیشنهاد می‌شد که اگر فلان کار را بکنی ما در عوض، دعوت تو را می‌پذیریم - پیامبران از انجام آن کار، استنکاف می‌کردند.» (۷)

در نهایت آن معجزه‌های که اراده خدا به انجام آن تعلق می‌گرفت با واسطه فرشتگان و یا پیامبران، صورت می‌پذیرفت.

۳-۶- معرفی موافقان انبیاء در قرآن مجید

الف- روش‌ها و شواهد قرآنی معرفی موافقان انبیا

-روش تمثیل: (مثل): خداوند در برخی از آیات قرآن با روش آوردن مثل، به بیان موضوعی می‌پردازد که قطعاً حاوی پیام تربیتی است. در اینجا همسر فرعون به عنوان مثل آمده و درخواست او از خدا که او را به مقام قرب برساند. یکی از بهترین نمونه‌ها در تربیت اعتقادی است.

-شواهد قرآنی:

«وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (سوره تحریم، آیه ۱۱) و برای کسانی که ایمان آورده‌اند، خدا همسر فرعون را مثل آورده، آنگاه که گفت: «پروردگارا، پیش خود در بهشت خانه‌ای برایم بساز، و مرا از فرعون و کردارش نجات ده، و مرا از دست مردم ستمگر برهان.

«این مثل برای بیان حال مؤمنین است، آیا به آسیه اشاره می‌نماید که با وجود کفر شدید شوهرش به خدا، ایمان آورد. ایمانی خالص و به همین خاطر، خدا نجاتش داد و او را داخل بهشت کرد و قدرت فرعون نتوانست هیچ خدشه‌ای به ایمان او وارد آورد. همسر فرعون در مسیر عبودیت آن چنان پیش رفته بود که چشم از تمام لذات دنیوی بر گرفت و نزدیکی به پروردگار خود را به نزدیکی به فرعون ترجیح داد و به غیب ایمان آورد و آن قدر در این کار استقامت ورزید تا از دنیا رفت و به همین جهت دعا فرمود که خدا یا (نزد خودت برایم خانه‌ای در بهشت بنا کن و مرا از فرعون و عمل او نجات بده) آسیه (س) که درخواست نجات از خانواده ستمگر خود می‌کرد، از جامعه ستمکار نیز، ابراز بیزارگی می‌کرد و به این ترتیب، تنفر خود را بطور مطلق از ظلم بیان می‌کرد (۱۱)

-روش تاریخی (انفسی): خداوند در برخی از آیات به روش تاریخی از موضوعی که اهمیت خاصی داشته می‌گوید. در اینجا راجع به واکنش همسر فرعون بعد از پیدا کردن موسی و منحرف کردن همسرش از قتل او می‌گوید و به اراده الهی که بر همه این اتفاقات، غلبه دارد.

-شواهد قرآنی:

«وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرْتُ عَيْنَ لِي وَلَكِ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (سوره قصص، آیه ۹) و همسر فرعون گفت: «[این کودک] نور چشم من و تو خواهد بود. او را مکتشید. شاید برای ما سودمند باشد یا او را به فرزندی بگیریم، ولی آنها خبر نداشتند.

«خدا محبت آن کودک را در دل همسر فرعون انداخت به حدی که اختیار از کفش بیرون برفت و چاره‌ای نیافت جز اینکه فرعون را از کشتن طفل منصرف نماید. وقتی همسر فرعون، آثار بزرگی را در سیمای موسی می‌بیند، می‌گوید: شاید برای ما مفید باشد یا او را به فرزندی بگیریم. چون آنها پرسی نداشتند. خداوند در (آیه ۳۹ سوره طه) این جریان را از منت‌هایی دانسته که به موسی گذارده است. همسر فرعون این میانجی‌گری را کرد و بلای کشتن را از موسی برگردانید. درحالی‌که او و مخاطبینش نمی‌دانستند چه کنند و سر انجام کار چه می‌شود؟ آن‌ها نمی‌دانستند که فرمان نافذ الهی بر این قرار گرفته که این نوزاد در مهمترین کانون خطر، پرورش یابد و هیچکس یارای مخالفت با این اراده را نداشته باشد.» (۱۱)

در قرآن مجید، در مورد موافقان و ایمان آوردندگان، به مستندات و شواهد کمتری برخورد نموده‌ام. اکثریت پیامبران و رسولان، بعد از اعلام رسالت و ابلاغ پیام الهی، به اشکال مختلف مورد آزار و اذیت قوم خود و مردم عصر خویش قرار می‌گرفتند و پس از سالهای متمادی تلاش خستگی‌ناپذیر، تعداد اندکی به آنها ایمان آوردند.

ب- مبانی فلسفی روش‌های معرفی موافقان انبیا:

-گرایش فطری انسان به هدایت عامل گرایش به انبیا

این گزاره (انسان شناختی) به عنوان مبنای فلسفی روش‌های مذکور در موافقت و گرایش به انبیا، می‌باشد و از قرآن مجید گرفته شد است. فطری بودن و اجبارن نبودن گرایش به دین و وجود زمینه فطری پذیرش دین، از جمله مهمترین مبانی گرایش و توافق با انبیا، می‌باشد. از طرفی پیامبران از شیوه‌های مناسب و مبتنی بر فطرت انسانها در برنامه هدایتی خویش استفاده می‌کنند. و قطعاً برنامه‌هایی که از طرف خداوند به پیامبران ابلاغ می‌شود و به منظور هدایت نوع بشر می‌باشند این هماهنگی را با فطریات بشری دارند. به این مهم در آیات بیشماری اشاره است که از آن جمله است. (سوره روم، آیه ۳۰)، (سوره مائده، آیه ۱۰۵)

به مصداق آیات شریفه قرآن مجید، دینی که پیامبران با دستورات آن، مردم را دعوت می‌کردند. چیزی نیست جز آن چه در درون ماست و از بیرون چیزی بر ما تحمیل نمی‌شود. پس پیامبران با روش‌هایی چون بیدار نمودن فطرت و ایجاد شرایط لازم برای جذب و دعوت مردم، آن‌هایی که نور هدایت، دل‌هایشان را نورانی می‌کرد به طرف انبیا، گرایش پیدا می‌کردند و از جمله موافقان انبیا، به حساب می‌آمدند.

۳-۷- روش‌های معرفی مخالفان انبیا در قرآن مجید

الف- روش‌ها و شواهد قرآنی معرفی مخالفان انبیا

-مخالفت با انبیا - غضب الهی

در طول تاریخ، بسیاری از مردم به گونه‌های مختلف به مخالفت با پیامبران عصر خویش می‌پرداختند. خروج از دایره اطاعت خدا برای آنها مساوی با غضب الهی بود.

-روش گفت و گویی: قرآن مجید از برخی گفت و گوهای پیامبران و قومشان سخن می‌گوید. و در این گفت و گوها حقایق روشن می‌شود یکی از همین‌ها، به لجاجت و عناد قوم موسی اشاره می‌کند. -شواهد قرآنی:

«خدا قانون خود را در یاری انبیا و مجازات کفار، مستقلاً به هیچ رسولی از رسولان قبل از تو نسپرد بلکه هر پیامبری را که خدا می‌خواست، از آن نصرت، بهره مند می‌کرد. و تو نیز مانند سایر انبیا هستی، ممکن است به تو اذن بدهیم که آن نصرت را بیاوری در نتیجه گوشه‌ای از آن عذاب‌ها را که به کفار وعده دادیم بر آنها نازل کنی اما آنچه مسلم است این است که وقتی فرمان الهی برای مجازات کفار، صادر می‌شود در میان آنها به حق داوری خواهد شد.» (۱۱)

—مخالفت با انبیا— انکار انبیا.

گاه مخالفت‌های ملت‌ها با پیامبران عصر خویش تا سر حد انکار آنها پیش می‌رفت.

—روش پرستی: برخی آیات قرآن برای روشن نمودن امری، با طرح موضوعی در ادامه به طرح سؤال یا سوالاتی اقدام می‌شود و با روش پرستی می‌پرسند. پس از آن در همان آیه یا آیه بعد، پاسخ آنها را از زبان خودشان بیان می‌کند و موضوعی به تصویر کشیده می‌شود و صراحتاً به عمل خود اعتراف می‌کند.

—شواهد قرآنی:

«تَكَادُ تَمَيِّزُ مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا أَتَىٰ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ (سوره ملک، آیه ۸) نزدیک است که از خشم شکافته شود. هر بار که گروهی در آن افکنده شوند، نگاهبانان آن از ایشان پرسند: «مگر شما را هشدار دهنده‌ای نیامد؟»

«قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِن شَيْءٍ إِنْ أَنتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ (سوره ملک، آیه ۹) گویند: «چرا هشدار دهنده‌ای به سوی ما آمد و [لی] تکذیب کردیم و گفتیم: خدا چیزی فرو نفرستاده است، شما جز در گمراهی بزرگ نیستید.»

دوزخ مانند انسان خشمگین فریاد می‌کشد و می‌جوشد و نزدیک است منفجر شود هر زمان گروهی از کافران در دوزخ افکنده می‌شوند نگاهبانان دوزخ از روی تعجب و توییح از آنها می‌پرسند؛ مگر شما رهبر و راهنما نداشتید و انذار کننده الهی به سراغ شما نیامد؟ پس چرا به روز سیاه افتادید؟ گویا این نگاهبانان نمی‌توانند باور کنند که انسان با آگاهی تمام و با وجود داشتن رهبر آسمانی، به چنین سرنوشتی گرفتار شوند. کفار پاسخ می‌دهند: آری، انذار کننده به سراغ ما آمد اما نه تنها آنها را تکذیب کردیم و به پیام حیات بخش آنها گوش ندادیم بلکه به ایشان افترا بسته و گفتیم: که خدا هرگز چنین چیزی نازل نکرده و شما در گمراهی بزرگی هستید به این ترتیب به پیروی از هوای نفس خویش ادامه می‌دهیم.» (۱۱)

ب— مبانی فلسفی روش‌های معرفی مخالفان انبیا:

—انسان خود بزرگ و مستکبر است.

این گزاره (انسان شناختی) به عنوان مبانی فلسفی روش‌های مذکور در بیان مخالفت با انبیا از قرآن مجید گرفته شده است. اکثر دلایل مخالفین انبیا، بی پایه و از روحیه برتری طلبی و لجاجت آنها بوده است. از آنجا که دعوت انبیا و قبول و پذیرش محتوای دعوت آنان مستلزم کنار گذاشتن بعضی از این خصوصیات کبر آلود و خود خواهانه بود و نیز قبول رهبری و جایگاه ویژه نبوت پیامبران (و امامان) بود. لذا به خاطر این خود بزرگ بینی و استکبار که در قرآن مجید به آن اشاره شده در مقابل پیامبران مقاومت می‌کردند

«وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ ذَلِكُمْ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكُمْ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ (سوره بقره، آیه ۶۱) و [داع] خواری و ناداری بر [پیشانی] آنان زده شد، و به خشم خدا گرفتار آمدند؛ چرا که آنان به نشانه‌های خدا کفر ورزیده بودند، و پیامبران را بناحق می‌کشتند؛ این، از آن روی بود که سرکشی نموده، و از حد درگذرانیده بودند.

لجاجت و عناد قوم موسی، همچنان ادامه می‌یابد و این بار طبع تنوع طلبی آنها، وادارشان می‌کند. تا درخواست طعام جدیدی کنند اما موسی گفت: آنچه شما خواسته‌اید دعا لازم ندارد و در سرزمین مصر یافت می‌شود. به شرطی که با فداکاری بتوانید دشمن را از این سرزمین، بیرون کنید و به آنجا داخل شوید. اما لجاجت و زشتکاری این قوم، پایان ناپذیر بود لذا مجدداً قرین غضب الهی شدند و خدا این بار به دو دلیل مَهْر ذلت بر پیشانی آنها زده اولاً: به جهت اینکه به راحتی به آیات الهی کافر می‌شدند و به خاطر منفعت طلبی به مخالفت با آنها بر می‌خاستند. ثانیاً: مردان حق و رسولان الهی را به ناحق می‌کشتند همه این گناهان را به این دلیل مرتکب می‌شدند که از اطاعت و فرمانبرداری خدا خارج شده و در نتیجه به حدود الهی و حقوق مردم تجاوز می‌کردند (۱۱)

—مخالفت با انبیا— تکذیب انبیا— قتل انبیا

روش تاریخی: برخی آیات قرآن مجید به افشاکاری از پیمان‌های الهی که از برخی اقوام گرفته شده، اشاره می‌کند و حوادثی که در گذشته اتفاق افتاده و از اعمالی که آنها انجام می‌دادند، پرده برداری می‌کند.

—شواهد قرآنی:

«لَقَدْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَارْسَلْنَا إِلَيْهِمْ رَسُولًا قُلْنَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ (سوره مائده، آیه ۷۰) ما از فرزندان اسرائیل سخت پیمان گرفتیم، و به سویشان پیامبرانی روانه کردیم. هر بار پیامبری چیزی بر خلاف دلخواهشان برایشان آورد، گروهی را تکذیب می‌کردند و گروهی را می‌کشتند.

بنی اسرائیل به جای پیروی از انبیا اصرار داشتند که آنها تابع میلشان باشند و در غیر این صورت، آن‌ها را تکذیب می‌کردند یا به قتل می‌رساندند. فعل مستقبل «يَقْتُلُونَ» که عطف بر فعل ماضی «كَذَّبُوا» می‌فهماند که اگر در آینده نیز به پیامبری دست یابند، این طور عمل می‌کنند.» (۱۱)

—تکذیب انبیا— تکذیب رسولان— داوری الهی

روش تاریخی— قصه گویی: برخی حوادث گذشته و احوالات رسولان در قالب حکایت، قصه و ... بیان شده است. در این جا به قصص قرآنی گذشته اشاره گردیده است.

شواهد قرآنی:

«وَكَذَّبُوا رُسُلَنَا وَتَوَلَّوْا وَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِآيَاتِنَا إِذْ جَاءَهُمْ بَيِّنَاتٌ مِنَ رَبِّهِمْ لِيُحْجِجَ اللَّهُ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا كَانُوا يَكْفُرُونَ (سوره بقره، آیه ۷۸) و مسلماً پیش از تو فرستادگانی را روانه کردیم. برخی از آنان را [ماجرایشان را] بر تو حکایت کرده‌ایم و برخی از ایشان را بر تو حکایت نکرده‌ایم، و هیچ فرستاده‌ای را نرسد که بی‌اجازه خدا نشانه‌ای بیاورد. پس چون فرمان خدا برسد به حق داوری می‌شود، و آنجاست که باطل کاران زیان می‌کنند.

و با بهانه جویی و لجاجت حتی دست به آزار و اذیت و شکنجه و ... می‌نمودند و آشکارا به مخالفت بر می‌خاستند. چنانچه در قرآن مجید آمده است.

«إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ مَّا هُمْ بِبَالِغِيهِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (سوره غافر، آیه ۵۶) در حقیقت، آنان که در باره نشانه‌های خدا -بی‌آنکه حجتی برایشان آمده باشد- به مجادله برمی‌خیزند در دل‌هایشان جز بزرگنمایی نیست [و] آنان به آن [بزرگی که آرزوی را دارند] نخواهند رسید. پس به خدا پناه جوی، زیرا او خود شنوای بیناست. در ذیل این آیه آمده است: «اسلام به نیت و انگیزه روحیه و آنچه در دل می‌گذرد، بهای اصلی را می‌دهد. انگیزه مجادله با حق، خود بزرگ بینی است نه منطقی، انسان اگر از خود مراقبت نکند، تمام وجودش را تکبر می‌گیرد، به نحوی که در دل او جز تکبر هیچ چیز نیست، معاشرت با متکبر دارویی جز پناه بردن به خدا ندارد» (۸)

نتیجه گیری

با تأمل در روش‌های معرفی پیامبران در قرآن مجید در می‌یابیم که خداوند برای تعلیم و تربیت و ارشاد و راهنمایی بشر پیامبر (پیامبرانی) فرستاد. پس نتیجه می‌گیریم بعثت پیامبران، رسولان و امامان برای هدایت گری و تربیت، امری لازم و ضروری بوده است. پیامبران با دعوت به توحید و معاد، ایمان به خدا و روز جزا را در دل‌های متریبان تقویت می‌کردند. پیامبران در دعوت به توحید ابتدا توحید را در الوهیت و سپس در عبادت و پرستش خداوند و پرهیز دادن از شرک معرفی می‌کردند. پس نتیجه می‌گیریم که بنای اعتقادات توحید است که اگر اصلاح شود بقیه امور هم اصلاح می‌شود. استناد به روش‌های تبیینی، گفت و گویی و تاریخی در معرفی توحید و معاد توسط پیامبران در قرآن مجید، راهنمای مربیان در تربیت اعتقادی می‌باشد. با تأمل در روش‌های معرفی انبیا در قرآن مجید در می‌یابیم که پیامبر اکرم (ص) آخرین پیامبر خداست پس نتیجه می‌گیریم که اعلام خاتمیت حضرت محمد (ص) به عنوان آخرین پیامبر خدا و دین اسلام از جمله کامل‌ترین ادیان جهان است. با این اعلام خاتمیت راه‌های انحراف فکری و عقیدتی بسته می‌شود. با تأمل در روش‌های تبیین وحی، عصمت و اعجاز انبیا در می‌یابیم که وحی یک سنت الهی است و مخلص بودن و عصمت انبیا موجبات اطاعت از آنان را در ما فراهم می‌کند همچنین هر معجزه‌ای به امر و فرمان خدا صورت می‌گیرد پس نتیجه می‌گیریم که محتوای وحی از طرف خداست و موجبات اصلاح عقاید انحرافی را فراهم و باورمند سازی و شناخته نبوت را در ما تقویت می‌کند تاسی به پیامبران و درک اخلاص و سایر ویژگی‌های آنان موجبات سعادت‌مندی در زندگی دنیوی و اخروی را برای ما به همراه خواهد داشت همچنین از درک مفهوم اعجاز نتیجه می‌گیریم که خداوند بر همه امور سیطره و تسلط دارد و معجزات به امر او شدنی است پیامبران واسطه درک فیض حضور الهی هستند. مربیان در تربیت اعتقادی با استناد به روش‌های تربیتی و مبانی فلسفی موضوعات فوق الذکر به ایجاد شناخت و باورمند سازی متریبان در اصل نبوت می‌پردازند.

با تأمل در روش‌های معرفی موافقان انبیا در می‌یابیم که تمام انبیا الهی در طول حیات تعلیم و تربیتی، تبلیغی، هدایتی و ارشادی خود از بهترین و مؤثرترین روش‌ها برای اعتمادسازی و جلب نظر مردم استفاده نموده‌اند اغلب به این روشها مبتنی بر مبانی مستحکم و به منظور هدایت گری انسانها بوده است. پس نتیجه می‌گیریم که انتخاب روش‌های تربیتی، تعلیمی تبلیغی و هدایتی مناسب از سوی مربیان زمینه پذیرش و موافقت با برنامه‌های تربیتی آنان را فراهم آورده و نشانه بلوغ عقلی و فکری است و به ویژه در تربیت اعتقادی، تسهیل کننده زمینه پذیرش و انقیاد قلبی متریبان خواهد بود. با تأمل در روش‌های معرفی مخالفان انبیا در می‌یابیم که استهزا پیامبران، بهانه جویی، توقع نابجا، حجاب معاشرت، تکذیب و فرار از حق و هرگونه مخالفتی با آنان عواقب نامطلوبی در زندگی فردی و اجتماعی دارد پس نتیجه می‌گیریم که هرگونه مخالفت با برگزیدگان الهی موجبات شقاوت و سرگردانی و غضب خداوند را به همراه خواهد داشت و نشانه رشد یافتگی رکود و جمود فکری است پس مربیان با تاسی به شیوه برخورد پیامبران با مخالفان در تربیت اعتقادی و استناد به روش‌ها و مبانی فلسفی آنها، به این مهم همت می‌گمارند.

References

1. Mir Arab, Farajullah (1392). Belief and spiritual education with a Quranic view, first edition, Qom: Book Garden. [In Persian]
2. Beheshti, Saeed (1389). Philosophical Reflections on Education, First Edition, Tehran: Internadional Publishing. [In Persian]
3. Motahari, Morteza. (1372) / Education in Islam, twenty-second edition, Tehran: Sadra. [In Persian]
4. Ministry of Education (1390). Theoretical Foundations of the Fundamental Transformation in the Formal Education System of the Islamic Republic of Iran, Tehran: Secretariat of the Supreme Council of the Cultural Revolution. [In Persian]
5. Ragheb Isfahani, Hussein Ibn Muhammad (1412 AH). Glossary of the words of the Holy Quran, first edition, Beirut: Dar al-Shamiya. [In Persian]
6. Ragheb Isfahani, Hussein Ibn Muhammad, (1416 AH), Vocabulary of the words of the Holy Quran, correction, Safwan Adnan Davoodi, Lebanon, Beirut:

- Dar al-Shamiya. And (1416) Damascus: Dar al-Qalam. [In Persian]
7. Motahari, Morteza (1377). Collection of works, Volume 8, Tehran: Sadra. [In Persian]
 8. Qaraati, Mohsen (1383). Tafsir Noor (10 volumes), Tehran: Cultural Center of Quranic Lessons. [In Persian]
 9. Makarem Shirazi, Nasser (1374). Sample Interpretation, Volume 20, Tehran: Islamic Library. [In Persian]
 10. Ghorashi, Seyed Ali Akbar (1377). Tafsir Ahsan Al-Hadith, Tehran: Besat. [In Persian]
 11. Tabatabai. Mohammed Hussain; Makarem Shirazi, Nasser. (2007), Summary of the interpretations of the Holy Quran (Al-Mizan, sample), research and summary, Abbas Poursif, second edition, Tehran: Shahed Publishing. (Martyr Foundation and Veterans Affairs). [In Persian]
 12. The Holy Quran (1376). Mohammad Mehdi Fooladvand, Translator, Third Edition, Tehran: Office of History and Islamic Studies. [In Persian]